

## اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم

(بررسی اسنادی)

فاطمه السادات ضیغمیان<sup>۱</sup>

## چکیده

حجاب در تاریخ معاصر ایران با ورود فرهنگ و اندیشه‌های غربی و دخالت سلبی حکومت‌ها ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است. مسلماً هرگونه بررسی و چاره‌اندیشی در مورد آن نیازمند بررسی ریشه‌ای شکل مواجهه عمومی با رفع و کشف حجاب و البته مطالعه سیاست‌های حکومت‌ها در قبال آن مسئله می‌باشد. شهر قم به‌عنوان یک شهر مذهبی با تمرکز روحانیت در آن، می‌تواند مورد مطالعاتی مناسبی در این زمینه محسوب شود. در این تحقیق با روشی توصیفی - تحلیلی، طی تحقیقی کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از اسناد و مدارک آرشیوی موجود در آنها به بررسی و البته تحلیل موضوع پرداخته و در کنار آن تلاش شده با استفاده از خاطرات افراد آگاه معاصر رویداد (تاریخ شفاهی) بر جنبه استنادی و اقماعی کار افزوده شود. نتایج و یافته‌های تحقیق را می‌توان این‌گونه بیان کرد که سیاست‌ها و روش‌های حکومت رضاشاه در زمینه اجرای قانون کشف حجاب در قم، به دو بعد تبلیغاتی و اجرایی قابل تقسیم‌بندی است. ابعاد تبلیغاتی معمولاً در قالب مراسم و جشن‌های کشف حجاب، که بیشتر رویه‌ای فرمایشی و نمایشی داشت، دنبال می‌شد و جنبه اجرایی آن که به مرور نسبت به جنبه اول، پررنگ‌تر، جدی‌تر و خشن‌تر شد؛ شامل ممانعت از حضور و برخوردهای تند با بانوان محجبه در مدارس، ادارات، معابر و اجتماعات عمومی بود. روش تقابل مردم و علما نیز در برابر قانون کشف حجاب عموماً، بیشتر روشی تدافعی بود نه تهاجمی.

واژه‌های کلیدی: کشف حجاب، چادر، قم، رضاشاه، روحانیون، اسناد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

zeyghamy\_66@yahoo.com

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

## Implementation of the Hijab banning Law in the city of Qom

Fatemeh sadat zeyghamian<sup>۱</sup>

### Abstract

*Hijab has acquired complex dimensions in the contemporary history of Iran with the introduction of western culture and ideas and the negative interference of governments. Certainly, any investigation and solution thinking about it requires investigation of the roots of the form of public confrontation with the removal and discovery of the hijab, and of course the study of the policies of the governments regarding that issue. The city of Qom, as a religious city with a concentration of clerics, can be considered as a suitable case study in this field. In this research, with a descriptive-analytical method, by a library research and with the benefit of the archival documents available in them, I examined and of course analyzed the subject, and along with that, I tried to use the memories of contemporary people who were aware of the event (oral history). The citation and persuasive aspect of the work should be increased. The results and findings of the research can be expressed in this way that the policies and methods of Reza Shah's government in the field of implementation of the Hijab Banning Law in Qom can be divided into two dimensions, propaganda and implementation. The promotional aspects were usually followed in the form of hijab unveiling ceremonies and celebrations, which were mostly commanding and showy, and its executive aspect, which gradually became bolder, more serious and harsher than the first aspect; It included preventing women from attending and dealing harshly with veiled women in schools, offices, streets and public gatherings. The method of confronting people and scholars against the law of revealing the hijab was generally more of a defensive method rather than an offensive one.*

**Keywords:** Banning hijab, tent, Qom, Reza Shah, clerics, documents.

---

<sup>۱</sup>. PhD student of Islamic Revolution History, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. zeyghamy\_66@yahoo.com

## مقدمه

حجاب در تاریخ معاصر ایران با ورود فرهنگ و اندیشه‌های غربی و پس از آن دخالت حکومت‌ها، ابعاد جدید و پیچیده‌ای پیدا کرد. این موضوع که تا پیش از آن به‌عنوان یک اصل شرعی و عرفی، هنجاری مورد توافق عموم محسوب می‌شد، ابتدا، عرصه نزاع دولت و ملت و پس از آن به شکافی اجتماعی تبدیل شد. بررسی ریشه‌ای مواجهه مردم با مسئله بی‌حجابی و کشف حجاب و نوع عملکرد حکومت در این زمینه، می‌تواند به فهم بهتر مسئله کمک نماید. این تحقیق سعی دارد با بررسی اشکال، ابعاد، روش‌ها و میزان جدیت حکومت رضاشاه در اجرای قانون کشف حجاب در شهر مذهبی قم و نیز شکل مواجهه و مقابله عمومی مردم و روحانیون با این قانون، قدمی در فهم بهتر برهه‌ای از تاریخ معاصر بردارد. از طرف دیگر، با تمرکز تحقیق بر یک شهر مذهبی مطرح، به‌عنوان برشی از تاریخ محلی، امید است که نتایج این تحقیق، البته در کنار بررسی ابعاد و ادوار بعدی، به درک زوایای مختلف مسئله و چاره‌اندیشی درباره آن به‌ویژه در بررسی ریشه‌ای رویکرد به مسئله حجاب و بی‌حجابی در شهرهای مذهبی و پس از آن در سایر مناطق، کمک نماید.

ریشه‌های کشف حجاب در تاریخ معاصر ایران به دوره ناصری می‌رسد. اما جدای از ریشه‌ها، زمینه‌ها و مقدمات آن، از تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ و با دستور و ورود مستقیم رضاشاه این مسئله، رسماً جنبه قانونی و اجباری پیدا کرد. قانونی که البته هیچ‌وقت به تصویب مجلس شورای ملی نرسید و تا سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و مدتی بعد هم، نسبتاً با جدیت از طرف کارگزاران و عمال حکومت او دنبال می‌شد.

در باب شکل، شیوه و شدت اجرای کشف حجاب رضاشاهی، قدر مسلم آن است که تفاوت شرایط فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی در میزان پذیرش و الزامات اجرای کشف حجاب در کشور ایران، با تنوع جغرافیایی، قومی و فرهنگی مؤثر بوده است.<sup>۱</sup> در این میان می‌توان گفت که طبقه متوسط و ضعیف شهرنشین به دلایل اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در شهرهایی با بافت

---

۱. ر.ک: مقدمه رضا شعبانی در: **واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده)**، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۷۳، صفحات هفت الی بیست.

و بن‌مایه‌های قوی‌تر مذهبی، در اجرای قانون کشف حجاب، با سختی‌ها و مشکلات بیشتری مواجه بوده‌اند.

قم به‌عنوان یکی از معدود شهرهای شاخص مذهبی ایران، هم از نظر شکل و ابعاد مواجهه مردمی (به‌ویژه به دلیل حضور طبقه برجسته‌ی علما و روحانیون) و هم از نظر بررسی سیاست‌های حکومت در راستای اجرای قانون کشف حجاب در یک شهر فوق‌العاده مذهبی، مورد مطالعاتی خوبی محسوب می‌شود. ضمن اینکه طی دهه‌های بعد، در حکومت پهلوی دوم، پس از انقلاب، دوره جمهوری اسلامی و تا به امروز (بیش‌ازپیش)، مسئله حجاب حتی در شهری نسبتاً مذهبی و انقلابی مثل قم، جنبه‌های پیچیده و لاینحلی پیدا کرده است. بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی اولین مواجهه اجباری مردم قم با مسئله کشف حجاب و ابعاد و آثار سیاست‌های حکومتی در این زمینه، بررسی ریشه‌ای‌تری از این موضوع به عمل آورد.

سیاست‌گذاری‌های کلان، بررسی جشن‌ها و مجالس مربوط به نهضت نسوان در این شهر، شدت و جدیت کارگزاران حکومت در اجرای قانون کشف حجاب، مواجهه و مقاومت‌های عمومی مردمی و مواضع علما و روحانیون قم در قبال این مسئله، موضوعاتی است که به‌طور مشخص در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### پیشینه و ادبیات پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت با وجود چندین مجموعه اسنادی چاپ‌شده و برگزاری چند همایش معتبر علمی<sup>۱</sup> در ارتباط با موضوع کشف حجاب و البته نمونه‌هایی از کارهای پژوهشی در این مورد در قالب تاریخ محلی،<sup>۲</sup> خلاً مورد مطالعاتی مستقل و حتی کمبود شدید اسناد چاپ‌شده

۱. برای نمونه ر.ک: وکیلی، هادی، مجموعه مقالات همایش ملی قیام گوه‌رشاد، مشهد: بوی شهر بهشت، ج ۱ و ۲، ۱۳۹۶.

۲. برای نمونه: زندیه، حسن و ماریا اسرافیلیان، کشف حجاب در ایالت استرآباد، پژوهش‌نامه زنان، س ۱۱، ش ۴، ۶۶-۳۷، ۱۳۹۹؛ شهسواری، تقی، «کشف حجاب در لرستان به روایت اسناد» نشریه شقایق، س ۱، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۴، صص ۱۶۰-۱۳۸ و...

مرتبط با کشف حجاب در شهر قم کاملاً آشکار است. مطالب موجود نیز بیشتر یا در خلال شرح حال و خاطره‌نگاری‌های شخصیت‌ها و علمای معاصر با رویداد بوده و یا به‌طور مختصر در منابع پژوهشی که به نحوی با موضوع فوق مرتبط می‌باشند چاپ شده است. برای نمونه حمید بصیرت‌منش در کتاب «علماء و رژیم شاه» بخشی را به بحث کشف حجاب و برخورد علما اختصاص داده که چون این شخصیت‌ها اکثراً ساکن قم بوده‌اند، این منبع و موارد مشابه به‌نوعی جزء پیشینه این پژوهش محسوب می‌شود.

با توجه به پیشینه پژوهش، از امتیازات این تحقیق رجوع به پرونده‌های اسنادی چاپ‌نشده سنگین مربوط به شهرهای مختلف و استخراج اسناد مربوط به شهر قم از میان آن‌ها بوده است. در این بین برخی مجموعه‌های اسنادی که نسخه دیجیتالی از آن‌ها موجود نبوده به رؤیت مستقیم محقق رسیده است. علاوه بر این موارد، سعی شده از سطح توصیفی صرف فراتر رفته و برای فهم بهتر مسئله اسناد مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. برای این منظور در ادامه ابتدا سیاست‌های نرم و سخت حکومت در اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم مورد ارزیابی قرار گرفته و در ادامه به واکنش‌ها و مقاومت‌های مردم و علما در مقابل این مسئله پرداخته شده است.

## ۱) سیاست‌گذاری‌ها در اجرای قانون کشف حجاب در قم

### ۱-۱) سیاست‌گذاری‌های کلی

در بادی امر به نظر می‌آید که اجرای قانون کشف یا رفع حجاب در شهر مذهبی قم به دلیل شرایط و حساسیت‌های خاصی که بر آن حاکم بوده است، باید با احتیاط، نرمش و دقت نظر بیشتری همراه بوده باشد. همان‌طور که در سند مهمی به تاریخ ۲ دی ۱۳۱۴ از طرف فرماندار قم به وزارت داخله آمده است:

---

۱. درست است که ابلاغ رسمی و عمومی قانون کشف حجاب در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ بوده است؛ اما از مدتی قبل‌تر دستورالعمل‌هایی به تمام کشور ابلاغ و فرمانداران و حاکمان محلی در تدارک مقدمات این امر بودند.

«البته خاطر آن وزارت مطبوعه مستحضر است که قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرها است و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع شود و هر روز با رئیس شهربانی مشغول تهیه مقدمات در اجرای این دستور هستیم» (ساکما، ۲۹۰-۸۳۶۶).

در سند دیگری باز هم او در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۴، بر ضرورت کار تبلیغاتی برای آماده کردن زنان تأکید می‌کند. از جمله مصادیق این مقدمات و تبلیغات؛ تشکیل جلساتی در فرمانداری برای توجیه رؤسای ادارات، توجه و برجسته‌سازی مسئله ایاب و ذهاب محصلان دختر رفع حجاب‌شده، تشکیل جلساتی با معلمان خانم و تشکیل مهمانی‌هایی غیررسمی در منازل رؤسای ادارات به شکل متوالی همراه با خانم‌هایشان و صحبت راجع به موضوع کشف حجاب، بوده است. در این سند حداقل بیست روز برای تبلیغات و تشکیل مجالس خصوصی و تکمیل و رفع نواقص خانم‌ها لازم دانسته شده، تا اقلان پنج‌جاه خانم برای جشن پیش‌آهنگی در اوایل یا اواسط بهمن آماده شوند، به اعتقاد فرماندار این روال موافق با جریان محلی بوده و زودتر از این امکان نداشته است (ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰). قابل توجه است که تمام این مقدمات و زمینه‌چینی‌ها، صرفاً در سطوح بالای اجتماعی و بانوان رؤسای ادارات بوده، که به دلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی و وابستگی‌های سازمانی خود، طبیعتاً آمادگی بیشتری برای پذیرش کشف حجاب داشته‌اند؛ درحالی‌که مسئله کشف حجاب در میان عموم مردم که وابستگی خاصی به دست دستگاه حکومت نداشته و بلکه ممکن بوده به دلایل اعتقادی و سیاسی، با حکومت مشکلات جدی فروخورده‌ای داشته باشند با واکنش و جنبه تدافعی بیشتری همراه بوده است.

از جمله دیگر اقدامات مقدماتی در این زمینه، تبلیغات و توجیهات لازم در جلسات مخصوص بانوان و نیز تعقیب و اجبار خانواده‌هایی بوده که با شنیدن زمره‌های قانون کشف حجاب دخترانشان را از مدرسه خارج کرده بودند (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰). در گزارش دیگری در همین اثنا (۲۶ دی ۱۳۱۴)، از اداره تعلیمات وزارت معارف به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی، با توجه به اینکه «تربیت نسوان شهر قم بیشتر از سایر بلاد مورد توجه وزارت معارف واقع شده»، از اعزام یک نفر مأمور کاردان مجرب به این شهر خبر می‌دهد که این فرد با حسن سیاست و تشویق اولیاء محصلات و معلمات، آنها را به ترک چادر ترغیب نموده است. این گزارش در حالی از موفقیت کامل این مأموریت سخن می‌گوید و مدعی است که گردش مأموران با خانم‌هایشان و معلمات و جمعی از محصلات در

شهر، موجب خشنودی اهالی شهر و مسرت طبقات مختلفه شده (مپس، ۳۹۵۱) که این ادعا با محتوای سند قبل مبنی بر عدم آمادگی برای برگزاری جشن پیشاهنگی تا بیست روز دیگر در تعارض قرار دارد.

گذشته از این زمینه‌سازی‌های تبلیغاتی و نرم فرهنگی، مکاتباتی مبنی بر لزوم افزایش عدهٔ پاسبانان شهر قم، هم از طرف شهربانی و هم از طرف حکومت قم و پاسخ مثبت به این درخواست، نشان‌دهنده جدیت ابعاد اجرایی و سخت قانون کشف حجاب در قم می‌باشد (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰؛ ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰).

#### ۲-۱) برگزاری جلسات توجیهی، جشن‌ها و مراسم‌های مربوط به کشف حجاب (روش‌های نرم فرهنگی)

از جمله مهم‌ترین مصادیق اجرا و نشانه موفقیت قانون کشف و رفع حجاب در دوره رضاشاه، مراسم و جشن‌هایی بود که در ادارات، اماکن عمومی و خصوصی و مدارس، با آیین‌های نسبتاً مشترکی مثل نطق و خطابه در تمجید نهضت آزادی نسوان و نقش زنان در جامعه، اجرای سرود و نمایش دانش‌آموزان، سخنرانی مقامات و دعا به ذات ملوکانه پادشاه، برگزار می‌شد. از این جشن‌ها حتماً باید عکس‌برداری و به مرکز ارسال می‌شد. یک نسخه از این عکس‌ها در پرونده‌های مشخص ضمیمه، و نسخه دیگر پس از بررسی در اداره انطباعات وزارت معارف، در صورت اقتضاء در جراید مرکز و شهرستان‌ها به چاپ می‌رسید. این مجالس، با فرایندهای خاص خود، آمیخته با جنبه‌های بسیار تلخ و یا حتی طنزی که داشتند، می‌توانند موضوع تحقیق مستقل و مفصلی باشند. به‌ویژه خطابه‌هایی که عموماً از طرف بانوان در این مجالس قرائت می‌شد باید از نظر محتوایی و برای آشنایی با زوایای اندیشه‌ای مسئله کشف حجاب، مورد توجه، تحقیق و بررسی جدی قرار گیرند. در مورد شهر قم، اگرچه در بعضی گزارش‌های ارسالی به وزارت معارف اعلام شده، که خلاصه نطق‌ها به‌وسیله معروضه جداگانه تقدیم شده، اما متأسفانه و برخلاف اسناد بسیاری از شهرهای دیگر، متن سخنرانی‌های جشن‌های کشف حجاب شهر قم در پرونده‌های مورد بررسی قرار گرفته، موجود نبود (ساکما، ۲۸۱۵۵-۲۹۷).

به‌هرحال، شهر قم نیز در زمینه برگزاری جشن‌های کشف حجاب، استثناء نبوده و چندین گزارش از برگزاری چنین جشن‌هایی در این شهر موجود است. برنامه‌هایی که از بهمن ۱۳۱۴ شروع شده است، بخشی از این مراسم و جشن‌ها در شهر قم، براساس اسناد، گزارش‌ها و اخبار روزنامه استوار<sup>۱</sup> به این شرح است:

- ۳ بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: ساختمان اداره حکومت قم (فرمانداری)، با حضور رؤسای ادارات و اعضای شهربانی همراه با همسرانشان و سخنرانی فرماندار و رئیس اداره شهربانی،
- ۱۳ بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: اداره صحیه، با سخنرانی بانوان و شرکت رؤسای دوایر دولتی، تجار و محترفین شهر با خانم‌هایشان،
- ۱۵ بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: منزل مصباح‌التولیه با سخنرانی خانم دولت‌آبادی،
- ۳ اسفند ۱۳۱۴؛ جشنی عمومی با حضور تمام طبقات با سخنرانی خانم وثوق؛ مدیر دبستان دولتی مختلط (بلدیه برای این جشن، به مناسبت سالگرد سوم اسفند، در روزنامه استوار آگهی عمومی داده بود. در این زمان رئیس شهربانی قم حجازی بود.)،
- ۲۳ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل ابوالقاسم معمارباشی، جشنی به مناسبت نهضت نسوان،
- ۲۷ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل مهدی جواهریان با حضور مسئولان دولتی،
- ۲۵ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل رضا شاکری، جشنی به مناسبت کشف حجاب، با حضور رؤسای ادارات و بعضی مردم برگزار شد که در آن، سردبیر روزنامه استوار؛ ابوالفضل طهماسبی، حجاب را سنتی غیر ایرانی معرفی کرده و راجع به مزایای کشف حجاب سخنرانی می‌کند. وی در پایان از وجود چنین جشن‌هایی ابراز خوشحالی می‌کند، ولی آن را ناکافی می‌داند.

---

۱. روزنامه استوار پایدارترین و به نوعی اولین روزنامه باثبات شهر قم در دوران معاصر؛ به صاحب امتیازی ابوالفضل طهماسبی، به دلیل اقتضائات سیاسی دوره رضاشاه، رابطه نسبتاً خوبی با حکومت داشت و در راستای رعایت جوانب امر، عموماً گزارش‌های مثبتی درباره اجرای قانون کشف حجاب در این شهر ارائه داده است (ابادری، ۱۳۸۸) که در غیر این صورت امکان ادامه فعالیت با توجه به خفقان حاکم بر مطبوعات آن دوره ممکن نمی‌بود. البته تعلقات فکری صاحب امتیاز و نویسندگان نشریه نیز مسئله مهمی است که می‌باید به شکل مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

- روز آخر اسفند ۱۳۱۴ نیز جشن آتش‌بازی بزرگی به مناسبت کشف حجاب در شهر قم بر پا می‌شود (اباذری، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۸؛ ساکما، ۲۹۰-۴۶۳۱؛ ساکما، ۲۸۱۵۵-۲۹۷؛ ساکما، ۸۲۳۹-۲۹۰-۲۸۱۵۵).

تعدد و توالی این جشن‌ها طی ماه‌های بهمن و اسفند ۱۳۱۴، بیانگر اهمیت این گونه برنامه‌ها برای حکومت و گویا نشان‌دهنده تلاش مقامات محلی برای نمایش موفقیت‌آمیز بودن اجرای کشف حجاب به دربار شاهنشاهی و مقامات بالادست بوده است. این برنامه‌ها تا حدی نیز ناشی از تصور امکان تحقق خوش‌بینانه و ساده‌اندیشانه کشف حجاب در جامعه در ابتدای امر، بوده است. تا آنجا که در گزارش جشن سوم بهمن، حاکم قم اظهار می‌دارد:

«وضع با کمال آرامش و نظم پیشرفت می‌نماید... و قطعاً تا یک ماه دیگر به چادر و حجاب خاتمه داده خواهد شد» (ساکما، ۲۹۰-۴۶۳۱)

همچنین در گزارش جشن ۳ اسفند، در پایان می‌آورد:

«در نتیجه قضیه رفع حجاب در شهر قم خاتمه یافت و در معابر به‌هیچ‌وجه بانوان با حجاب دیده نمی‌شود.»

البته در این سند نهایتاً امضاءکننده نامه (حاکم قم) در کنار کلمه حجاب در پرانتز واژه چادر را اضافه کرده است. یعنی در معابر بانوان با حجاب چادر دیده نمی‌شوند. (ساکما، ۲۹۰-۸۲۳۹).

به‌مرور زمان از تعداد این جشن‌ها کاسته و طی سال‌های بعد، به مراسم برگزاری سالگرد ۱۷ دی (آن هم عموماً در مدارس و دبیرستان‌های دخترانه) و برخی مناسبت‌های خاص محدود می‌شد. مثل مراسم ۱۷ دی ۱۳۱۵ در دبیرستان حکمت قم، که در جمع محصلین و با حضور محترفین و تجار و رؤسای ادارات به همراه خانم‌هایشان، همراه با سخنرانی، سرود، مناظره و نطق، برگزار شد (ساکما، ۲۹۷-۳۰۶۵۹).

اگرچه مسئولان امر به‌ویژه در ابتدای کار سعی داشتند، تصویری تمام و کمال از اجرای موفق قانون کشف حجاب به مقامات بالادست ارائه دهند؛ ولی درنهایت اسناد و گزارش‌هایی وجود دارند که مسئله را طور دیگری نشان می‌دهند. برای نمونه، عدم حضور تجار و معاریف قم با بانوانشان در مجلس ۱۷ دی ۱۳۱۶، در اداره معارف مورد توجه و انتقاد شهربانی قرار گرفته است. به دنبال این

جریان، غائبین احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند که اکثراً عذر موجه نداشته‌اند. شهربانی قم تا آنجا پیش می‌رود که پیشنهاد تبعید این افراد را به منظور تنبیه آنها، به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی می‌دهد (مپس، ۳۹۳۸). صورت اسامی این پانزده نفر که از صنوف تاجر، طبیب، برزگر و فلاحت‌پیشه بوده‌اند، به پیوست نامه به مرکز اعلام شده است. در این سند تأکید شده که:

«موضوع حجاب در طبقه تجار و متدینین طبیعی و تثبیت نشده است» (ساکما، ۱۸۴۷۸-۳۱۰).

در نمونه‌ای دیگر، در مورد مراسمی که در دبیرستان حکیم نظامی قم، در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۱۸، به دعوت اداره فرهنگ برگزار شده بود، گزارش می‌شود که رؤسای ادارات با بانوانشان حضور به هم رسانیده‌اند؛ اما بانوان طبقات مختلف شهر، جز معدودی حاضر نشده‌اند. نظر و واکنش نخست‌وزیری به این مسئله این بوده که موضوع حجاب در قم، هنوز طبیعی و مثبت نشده است. در این مورد دستورهای اکیدی برای پیگیری امر به فرمانداری و به‌ویژه شهربانی داده شده تا اقدامات و مراقبت‌های لازم به عمل آید (ساکما، ۶۰۱۶۱-۳۱۰).

علاوه بر اسناد رسمی، بخشی از خاطرات شفاهی نیز بر فرمایشی بودن این جشن‌ها و عدم حضور بسیاری از معاریف و متشخصان قمی در آن‌ها تأکید کرده و حتی بعضی اظهار داشته‌اند که بیشتر حضار این مراسم مربوط به مقامات و کارمندان غیربومی بوده که در شهر قم مأمور به خدمت بوده‌اند (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۴). در همین زمینه، پاکنویس سندی در یکی از مجموعه اسناد واقعه کشف حجاب به چاپ رسیده که حاوی گزارش استعمال مسکرات و قمار در بعضی دعوت‌هایی که با حضور بانوان و از طرف رؤسای ادارات و حکومت، بعد از تعمیم و پیشرفت نهضت بانوان قم برگزار شده است. این نامه که در پی گزارش مذکور به دفتر ریاست وزراء به حکومت قم نوشته می‌شود، اظهار می‌دارد که این خبر موجبات تعجب وزیر گشته و از حاکم قم خواسته که در صورت حقیقت داشتن، سریعاً موقوف گردد (اسناد واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۳: ۲۹۳ و ۲۹۴). ولی به هر حال این‌گونه برنامه‌ها در شهر قم هم برگزار می‌شده و حتی گاهی که به شکل عمومی ترتیب داده می‌شد مورد توجه عمومی (البته از طرف مردها و به منظور تماشا) قرار می‌گرفته است (اراکی، ۱۳۹۰: ۴۵).

### ۱-۳) شدت و جدیت در اجرای کشف حجاب (روش‌های سخت اجرایی)

پیش از این گفته شد که بخشی از مقامات و مسئولان حکومتی، بر اجرای گام به گام و ملایم قانون کشف حجاب، به‌ویژه در شهرهای مذهبی تأکید داشتند. برای نمونه در سندی مربوط به سال ۱۳۲۲، در بخشنامه‌ای به کلیه استانداران و فرمانداران، وزیر کشور می‌نویسد:

«البته اقداماتی که می‌شود باید از روی سیاست و حسن نیت و با کمال متانت بوده با مقتضیات محلی وفق بدهد یعنی عملی که در رشت می‌شود نباید عین آن عمل در قم و مشهد بشود ولی به طوری که گزارش می‌رسد در پاره [ای] نقاط اقدامات مأمورین شهربانی نه فقط از روی تدبیر و متانت نبوده بلکه از روی خشونت و سوء سیاست بوده که در نتیجه تولید شکایاتی هم نموده است» (اسناد واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۳: ۴۳۰).

اسناد مربوط به اجرای قانون کشف حجاب هم نمایانگر این سوء سیاست، عدم انعطاف و درک شرایط مناطق مختلف است. یکی از مهم‌ترین اسناد حاکی از خشونت و زیاده‌روی در این ارتباط، نامه دفتر رئیس‌الوزراء به اداره کل شهربانی است که پیگیر تلگرافی به تاریخ ۱۳۱۶/۵/۲۵ بوده که در آن گزارش شده، هاشم پاسبان در قم در برخورد با سکینه نامی، اقدام به برداشتن روسری او کرده و به گفته بستگان سکینه، به دلیل لگدی که پاسبان به پهلوی سکینه زده، پس از یک روز فوت کرده است (ساکما، 310-18476). حتی براساس یک پرونده قضایی، در یک مورد زنی محجبه از خانواده‌ای سرشناس مورد تعقیب مأمورین قرار گرفته و آنان به دنبال او به خانه آن زن ریخته و در خانه خودش اقدام به کشیدن چادر از سرش می‌کنند. به دنبال این اتفاق، اهالی خانه و محل، کتک مفصلی به مأموران می‌زنند (قضاوت، ۱۳۸۳: ۱۷).<sup>۱</sup>

---

۱. قاضی محمد وجدانی (دادستان کل کشور در آن زمان) در جریان فرجام‌خواهی این پرونده به استناد قانون حرمت مسکن مردم و اینکه رفع حجاب قانون نیست که ایراد جرح به مأمور دولت در حین انجام وظیفه مصداق داشته باشد، صدمات وارد به مأموران را دفاع مشروع خوانده و با شجاعتی مثال‌زدنی، حکم برائت متهمان را صادر و مأموران متخلف، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. (نامی درخشان بر تارک دادگستری، نشریه قضاوت، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، شماره ۲۹،

در نامه‌نگاری‌های شهربانی با نخست‌وزیری هم بر تعقیب و در صورت تکرار به دادگاهی شدن زنانی که با روسری صورت خود را می‌گیرند (و ولیّ قانونی آن‌ها)، تأکید شده است؛ البته این شدت برخورد تا حدی به دلیل نارضایتی مرکز از وضعیت کشف حجاب بانوان در قم بوده و اینکه این موضوع آن‌طور که باید در این شهر پیشرفت نکرده بود (ساکما، 60161-310). میزان تندروری بعضی مسئولین حکومتی قم برای نشان دادن جدیت و موفقیت‌شان در امر کشف حجاب تا آنجا بود که طی تلگراف رمزی به وزارت داخله (به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۱)، اجازه دعوت از محاضر و علما روحانی در مراسم مربوط به کشف حجاب را برای خاتمه موضوع می‌نمایند که با مخالفت جدی و هوشمندانه اداره سیاسی این وزارتخانه مواجه می‌شوند (ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰).

در کنار اسناد، مصاحبه‌ها و خاطرات شفاهی نیز پر از نمونه‌هایی است که بر شدت و خشونت مأموران دولتی، به‌ویژه شهربانی در اجرای قانون کشف حجاب در قم دلالت دارد. در خاطرات مربوط به زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی، از یکی از مأموران شهربانی (به تعبیری رئیس شهربانی)، که به‌عنوان مردی گستاخ و بدزبان شناخته می‌شد، یاد شده که حتی در حرم حضرت معصومه (س) هم به زنان باحجاب حمله و چادر از سرشان می‌کشید (رفیعی، ۱۳۹۲: ۷۷). در خاطرات آیت‌الله بدلا، عبدالهادی حائری، علی‌اصغر فقیهی، امام خمینی، آیت‌الله طالقانی و بسیاری از شخصیت‌های دیگری که سال‌های بزرگسالی، جوانی و حتی کودکی‌شان، مصادف با رویداد کشف حجاب رضاخانی بوده، توصیفات تلخی از شدت برخورد مأمورین برای کشف حجاب اجباری بانوان قمی به تصویر کشیده شده است (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۵؛ بدلا، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۱؛ حائری، ۱۳۷۲: ۱۸ و...).

بی‌دلیل نبوده که حاکم قم، در تقدیر از رئیس شهربانی می‌نویسد که او از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده و حتی در تمام محلات شب و روز پست‌هایی گذاشته‌اند تا مراقب فرد اهالی باشند (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰). در جایی دیگر نیز طی نامه‌ای (به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۹) به وزارت داخله از رئیس شهربانی، یاور خاتمی، در زمینه اجرای سیاست دولت در قسمت نهضت نسوان تمجید فراوان کرده و برای او و سایر مأمورین شهربانی درخواست تشویق داشته است (ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰). البته در میان مأمورین شهربانی عده معدودی هم بودند که سعی می‌کردند با مردم مدارای بیشتری داشته باشند. در خاطرات شفاهی، از پاسبان مشهدی جعفری نام می‌برند که با مردم همراهی می‌کرده است. به شکلی

که پس از فوتش مردم تشییع جنازه بزرگی برایش ترتیب دادند و البته برعکس در حادثه مرگ یکی از مأمورین سخت گیر شهربانی، قمی‌ها ابراز شادی کرده و به هم تبریک می‌گفتند (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۵).

## ۲) مقاومت‌ها و واکنش‌های مردم در مقابل قانون کشف حجاب

### ۱-۲) مقاومت ابتدایی معلمان و محصلان

پیش از این گفته شد که با رواج زمزمه قانون کشف حجاب بسیاری از خانواده‌ها دختران خود را از مدارس خارج کردند و حتی در این زمینه اعلانی نیز در تاریخ ۲ دی ۱۳۱۴ در یکی از محلات قم نصب شده بود، با این خطاب به مسلمانان که دختران خود را از مدارس خارج کنید. جدای از این، حتی جمعی از معلمان خانم (طبق اسناد حدود شش نفر؛ که این عدد باید در مقایسه با تعداد کل دبیران خانم در نظر گرفته شود) اعلام کرده بودند که حاضر به رفع حجاب نخواهند بود و استعفا می‌دهند (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰). حتی در اواسط دی حدود پانزده نفر از محصلان دختر (جدای از دختران ترک تحصیل کرده) همچنان با حجاب به مدرسه می‌رفتند و کلیه معلمان خانم هم تا این تاریخ هنوز کشف حجاب نکرده بودند و حاکم قم در سندی اظهار داشته که تا ده روز آتی، معلمان هم حاضر برای برداشتن چادر خواهند شد (ساکما، ۲۶۳۱-۲۹۰).

### ۲-۲) حجاب، بدون چادر

جدای از خانه‌نشینی‌ها، ترک تحصیل و تدریس، عبور و مرور از پشت‌بام‌ها، تعقیب و گریزها، ساختن حمام‌های خصوصی در زیرزمین‌ها و...، در این دوره مسئله تغییر فرم پوشش و شکل حجاب هم، به‌عنوان یکی از اشکال مقاومت بانوان در برابر کشف حجاب، مطرح می‌شود. در گزارش‌های مربوط به اجرای موفقیت‌آمیز کشف حجاب در قم، ذکر شد که در جایی حاکم قم (در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۵) می‌نویسد که در معابر بانوان باحجاب دیده نمی‌شوند؛ اما بعد با عبارت چادر توضیحش را کامل می‌کند. یعنی بانوان با حجاب چادر دیده نمی‌شوند! (ساکما، ۸۲۳۹-۲۹۰). مسئله

این بود که پس از قانون کشف حجاب، برخی بانوان با تغییر فرم پوشش خود، بدون چادر سعی در حفظ حجاب داشتند. در نامه‌ای از فرمانداری به رئیس اداره شهربانی، (مربوط به مرداد ماه ۱۳۱۷) حاکم وقت قم، به حضور بانوان با روسری در معابر اعتراض کرده، می‌گوید که زنان چادرهایشان را برش داده‌اند و با دستمال‌های بزرگی، سر و صورتشان را می‌پوشانند. درحالی‌که باید بدون روسری و با صورت باز از خانه خارج شوند. او از این وضعیت شاکی است؛ چرا که امر دولت در تمام کشور اجرا شده، ولی در قم عملی نشده است! به همین دلیل خواستار شدت برخورد پاسبان‌ها و جلب زنانی شده که با روسری یا لباس سیاه در بیرون حاضر می‌شوند و نیز احضار و مواخذه سرپرستانشان و در صورت تکرار می‌بایست مجازات شدیدتر بر آن‌ها اعمال شود (ساکما؛ ۳۱۰-۲۲۶۲۸).

همان فرماندار (که احتمالاً به تازگی منصوب شده) در نامه‌ای به دفتر رئیس‌الوزرا، علت اصلی عدم پیشرفت کشف حجاب در قم را فهم و احساسات اهالی دانسته که تحت تأثیر حرف‌های آخوندها و روضه‌خوان‌ها به این طریق عادت کرده‌اند و اینکه در بدو امر درست عمل نشده و مردم به مزایای این موهبت آگاه نیستند. در ادامه از تلاش برای توجیه افراد فهیم سخن می‌گوید و اینکه زنان باید با کلاه و صورت باز از خانه خارج شوند. در ادامه این تذکرات را بی‌اثر دانسته و به همین دلیل به شهربانی دستور مراقبت بیشتری داده است. در این سند فرماندار می‌نویسد که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، اسامی کسانی که افراد را در این امور مورد شماتت قرار می‌دهند، عرض و تقاضای مجازات آن‌ها را خواهد داشت. فرماندار احتمالاً تازه کار، که هنوز آتش تندی دارد، در پایان از رئیس‌الوزرا کسب تکلیف می‌نماید. پاسخی که در حاشیه نامه دریافت می‌کند، مختصر و محکم است: «نسبت به روسری زیاد اصرار شود، مقصود این است که زنان بدون حجاب و روی باز بیرون بیایند» (ساکما، ۳۱۰-۲۲۶۲۸).

در همین زمینه در نامه شهربانی به نخست‌وزیری (به تاریخ ۱۲۱۹/۹/۲۸) راجع به عدم تعمیم کشف حجاب در شهرستان قم، رئیس اداره شهربانی، سرپاس مختار، آورده که آموزش‌های لازم به شهربانی قم داده شده و طبق گزارش مذکور زن‌هایی که دارای حجاب باشند، در آنجا دیده نمی‌شوند، آنهایی هم که با روسری صورت خود را می‌گیرند، تعقیب و به دادگاه مربوطه تسلیم می‌شوند. مجدداً دستور داده شده که دقیقاً مراقبت کرده و متخلفین را شدیداً تعقیب نمایند (ساکما، ۳۱۰-۶۰۱۶۱).

به‌طور کلی در مورد روند کشف حجاب در قم، آن‌طور که اسناد نشان می‌دهند، می‌توان گفت که خوش‌بینی‌های اولیه به‌مرور رنگ می‌بازد و کار به نگرانی و شکایت از عدم اجرای قانون کشف حجاب در قم می‌کشد. البته بحث کنار گذاشته شدن تعارف و تشریفات معمول و یا تغییر متولیان امور هم در این تغییر موضع می‌تواند مؤثر بوده باشد. احتمالاً آن تصویر کامل و خوش‌بینانه اولیه یا از سر ساده‌اندیشی بوده و یا به خاطر مصلحت‌سنجی و حل‌وفصل ماجرا و به گمان قوی‌تر هر دو مورد!

### ۲-۳) کشف حجاب در قم؛ امکانات و فرصت‌ها

شهر قم به دلیل نزدیکی نسبی به تهران و البته توجه خاصی که مرکز در پیشبرد امور به آن داشته است، از بسیاری از شهرهای دورافتاده دیگر، نسبتاً امکانات بیشتری برای تغییر وضع پوشش بانوان، البته در بین طبقات متوسط و بالای جامعه داشته است؛ چنان‌که طبق آگهی‌های روزنامه استوار، در همان سال ۱۳۱۴، چند مورد خبر تأسیس خیاطی نسوان با آخرین مدل‌های روز و یا آگهی افتتاح فروشگاه لباس و کلاه‌های مدل جدید به چاپ رسیده است (اباذری، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۴).

### ۳) موضع و سیاست علما و روحانیون در مقابل مسئله کشف حجاب در قم

بدیهی است که مراجع و علمای قم با نقض آشکار اصول و شعائر اسلامی مخالفت جدی داشتند. می‌توان گفت مهم‌ترین عامل نارضایتی و درگیری آنان با حکومت رضاشاه در ماجرای کشف حجاب بروز یافت. در این میان حتی آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، زعیم و مؤسس حوزه علمیه قم، که نسبت به مسائل سیاسی، مشی تقیه‌گونه پیش‌گرفته و حتی در برخی مواضع پیشین خود به تأیید حکومت رضاشاه پرداخته بود، در مسئله کشف حجاب، به‌عنوان اعتراض جلسات درس و بحث و نماز جماعت خود را تعطیل و در محافل خصوصی اعلام نمود که باید تا پای جان مقاومت کرد؛

چون مسئله حجاب جزء ضروریات دین بوده و بنا به نص قرآن واجب شمرده می‌شود<sup>۱</sup> (گلی زواره، ۱۳۸۴: ۱۳۲). ایشان حتی در تلگرافی، به رضاشاه در ۱۱ تیر ماه ۱۳۱۴، نوشت:

«اوضاع حاضر که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری (ع) است موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است. بر ذات ملوکانه که امروز حامی و عهده‌دار نوامیس اسلامی هستند حتم و لازم است که جلوگیری فرمایند» (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ۸۴).

تلگراف آیت‌الله حائری با توجه به سیاست مدارا و تقیه ایشان برای رضاشاه غیرمنتظره بود، بنابراین رئیس‌الوزرا فروغی در پاسخی به تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۱۴ با اشاره به تعجب و تغییر شاه از تلگراف مذکور به انکار اقدامات خلاف شرع پرداخت و به این ترتیب، از اظهارنظر صریح در مورد کشف حجاب خودداری کرد. اما طبق شنیده‌ها رضاشاه مدتی بعد با حضور در منزل آیت‌الله حائری با تهدید ایشان صراحتاً اعلام کرد که چون در کشور ترکیه کشف حجاب شده و به اروپا ملحق گردیده، در ایران نیز باید کشف حجاب صورت گیرد و به دنبال آن عده‌ای از روحانیون به جرم تحریک آیت‌الله حائری تبعید شدند. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۳). به عبارتی دیگر، می‌توان گفت با وجود اهمیت و حساسیت مسئله کشف حجاب، شیخ عبدالکریم حائری با هوشمندی خود و تجربه‌ای که در قضیه مجاهد معروف آقای شیخ محمدتقی بافقی، کسب کرد دریافته بود که رضاشاه فقط به دنبال بهانه‌ای است که حوزه علمیه قم را از ریشه بکند. حتی از آیت‌الله اراکی به نقل از منبع موثقی، نزدیک به دربار، نقل کرده که رضاشاه گفته بود اگر شیخ حائری مخالفتی جدی می‌کرد، می‌فرستادمش جایی

---

۱. از جمله مهم‌ترین آیات حجاب در قرآن که حکم حجاب از آن استنباط می‌شود آیه ۳۱ سوره نور است: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَیْسَ لِهِنَّ بِخُمْرٍ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ»؛ و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان... آشکار نکنند؛ و نیز آیه ۵۹ سوره احزاب؛ «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِکَ أَدْنٰی اَنْ یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذِنُ وَ کَانَ اللّٰهُ عَفُوْرًا رَحِیْمًا»؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

که عرب نی می‌انداخت و به احتمال زیاد منظورش این بوده که او را هم مثل مدرس می‌کشت (شکوری، ۱۳۶۸: ۱۴۹-۱۴۶).

در تأیید این موضوع در خاطرات آیت‌الله اراکی هم آمده که مسئولین امر، مراسم جشن کشف حجاب را به گونه‌ای ترتیب می‌دادند که در مسیر علما باشد؛ گویی می‌خواستند علما را ناگزیر به حرکتی کنند تا دستاویزی برای سرکوب آنان باشد (اراکي، ۱۳۹۰: ۴۵). به احتمال قوی این احساس خطر جدی برای جامعه روحانیت با توجه به عملکردها و سایر سیاست‌های حکومت رضاشاه، بین بسیاری از علما و روحانیون عمومیت داشته است.

البته این به معنای بی تفاوتی و بی توجهی آنان به مسئله کشف حجاب نبوده و در جاهایی که چاره‌ای جز مقابله مستقیم نبوده است، با جدیت وارد میدان می‌شدند. در این باره می‌توان به سیلی محکمی که آیت‌الله مرعشی نجفی به یکی از مأمورین شهربانی در حرم حضرت معصومه (س) و در دفاع از زنان محجبه می‌زند، اشاره کرد<sup>۱</sup> (رفیعی، ۱۳۹۲: ۷۷). در مورد شخص آیت‌الله حائری هم در خاطرات شفاهی آمده است که آیت‌الله با وجود اخلاق بسیار معتدل و عموم‌پسندی که داشتند، بعد از جریان کشف حجاب اخلاقش کاملاً تند می‌شود و به شدت ناراحت بوده‌اند (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۷).

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که بعضی از مسئولین و کارگزاران حکومت رضاشاه نیز اشاره و تأکید داشتند، انتظار می‌رفت اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم به‌عنوان شهری مذهبی و مرکزی برای علما و طلاب حوزه علمیه با ملایمت و متانت بیشتری همراه باشد؛ اما در واقع و به‌ویژه با ظهور مقاومت‌های مردمی و نشانه‌هایی از بروز حساسیت در میان علما و روحانیون، بالعکس حکومت در اجرای این

---

۱. به دنبال این اتفاق، مأمور شهربانی آیت‌الله مرعشی را تهدید به قتل می‌کند، ولی روز بعد که در بازار قم در حال حرکت بوده، قسمتی از ساختمان سقف بازار بر سر او خراب شده و همان دم می‌میرد. (بر ستیغ نور، گوشه‌هایی از زندگی و وصیت‌نامه آیت‌الله مرعشی نجفی، علی رفیعی علا مرودشتی، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۹۲: ۷۷)

سیاست به اعمال روش‌ها و برخوردهای جدی‌تر و خشن‌تری روی آورد. علاوه بر این، هرچه از آغاز رسمی اجرای قانون کشف حجاب می‌گذشت، به تدریج از تعداد جشن‌ها و مجالس نسبتاً فرمایشی و نمایشی کشف حجاب (با جنبه‌های فرهنگی و توجیهی) و خوش‌بینی و ساده‌اندیشی اولیه درباره پیشرفت کشف حجاب، کاسته و بگیروبیندهای خیابانی افزایش پیدا می‌کرد. حتی برای اجرای موفق‌تر این جنبه بر تعداد و مزایای مأموران شهربانی نیز افزوده شد. در مقابل، بسیاری از مردم در کنار ممانعت از حضور دخترانشان در مدارس و محدود کردن رفت‌وآمد در بیرون از خانه، به ایجاد تغییراتی در مدل پوششان نیز روی آوردند. برش‌هایی در چادرها ایجاد کرده و به جای روبند، پارچه‌های بزرگی را به‌عنوان روسری استفاده می‌کردند، که به‌وسیله همان، صورتشان را هم می‌پوشاندند؛ اما مسئله برای حکومت صرفاً چادر نبود؛ بلکه اصرار داشت زنان بدون روسری، با کلاه و روی باز بیرون بیایند و این موضوعی بود که برای اکثریت زنان مسلمان آن دوره و خانواده-هایشان، به‌ویژه در شهری به‌شدت مذهبی مثل قم، قابل قبول و اجرا نبود.

تمام این محدودیت‌ها و الزامات، سال‌های سخت و مصائب فراوانی را بر مردم و به‌ویژه بانوان این شهر تحمیل کرد. از طرف دیگر علما و روحانیون هم، با توجه به جدیت و خشونت‌های که طی سال‌های قبل از طرف حکومت رضاشاه در مقابل هرگونه اقدام اعتراضی سراغ داشتند، به‌طور کلی جانب احتیاط را نگه داشته و سعی می‌کردند بهانه‌ای به دست حکومت ندهند، تا هم خودشان و هم نهاد روحانیت و حوزه علمیه را از خطر جدی که از طرف رضاشاه احساس می‌کردند حفظ کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت که سیاست مردم و روحانیت در مقابل اجرای قانون کشف حجاب در قم، بیشتر تدافعی بود تا تهاجمی. اما در جاهایی که در برخورد جدی و رویاروی با سیاست‌گذاری‌ها و روش‌های عمال حکومت احساس ضرورت می‌کردند، خود را ملزم به واکنش دانسته و از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کردند.

اجرای کشف حجاب در قم، گذشته از آزادی ظاهری که در پوشش و فعالیت اجتماعی بخشی از زنان طبقات بالا و عموماً کارکنان حکومت به وجود آورد، طبقات پایین‌تر و قشر متدین را در زمینه تحصیل و کار در مضیقه قرار داد و حتی رفت و آمدهای عادی و ارتباطات عمومی روزانه زنان را محدود کرد. از طرف دیگر، زمینه‌ای برای تغییر شکل پوشش و حجاب، در دوره‌های بعدی ایجاد



اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم (بررسی اسنادی)..... ۲۰۵

صلاح، مهدی، کشف حجاب؛ زمینه‌ها پیامدها و واکنش‌ها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.

فلسفی، محمدتقی؛ روحانی، محمد، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

وکیلی، هادی، مجموعه مقالات همایش ملی قیام گوهرشاد، مشهد: بوی شهر بهشت، ج ۱ و ۲، ۱۳۹۶.

### ج) مقاله

آشنا، حسام‌الدین، «کشف حجاب در آیینه اسناد» نشریه گنجینه اسناد، ش ۱، ۱۳۷۰.

اباذری، علی‌رضا، «استوار؛ اولین گام در عرصه روزنامه‌نگاری قم» پیام بهارستان، س ۲، ش ۴، ۱۳۸۸، صص ۳۵-۵۶.

اراکي، محمدعلی، «خاطرات آیت‌الله اراکی» نشریه یاد، ش ۱۰۰، ۱۳۹۰، صص ۸۰-۲۳.

بصیرت‌منش، حمید، «روند کشف حجاب و واکنش روحانیان» تاریخ معاصر ایران، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۶، صص ۹۲-۷۳.

رمضانی، رضا، «حجاب در ایران؛ بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی» مجله بانوان شیعه، ش ۱۱، ۱۳۸۶، صص ۲۸۶-۲۵۱.

زائری، قاسم، «دیرینه‌شناسی بی‌حجابی در ایران»، زن در توسعه و سیاست، ش ۴۵، ۱۳۹۳، صص ۱۵۳-۱۸۶.

زندیه، حسن؛ اسرافیلیان، ماریا، «کشف حجاب در ایالت استرآباد؛ واکنش‌ها و پیامدها» پژوهشنامه زنان، س ۱۱، ش ۴، ۱۳۹۹، صص ۳۷-۶۶.

شبییری زنجانی، سید موسی، «گوشه‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم به روایت آیت‌الله شبییری زنجانی» مصاحبه‌گر: علی اشرف فتحی، نشریه شهر قانون، ش ۹، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۵.

۲۰۶ ..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

شکوری، ابوالفضل، مرجع دوراندیش و صبور؛ آیت‌الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم، نشریه یاد، ش ۱۷، ۱۳۶۸، صص ۱۶۲-۱۰۳.

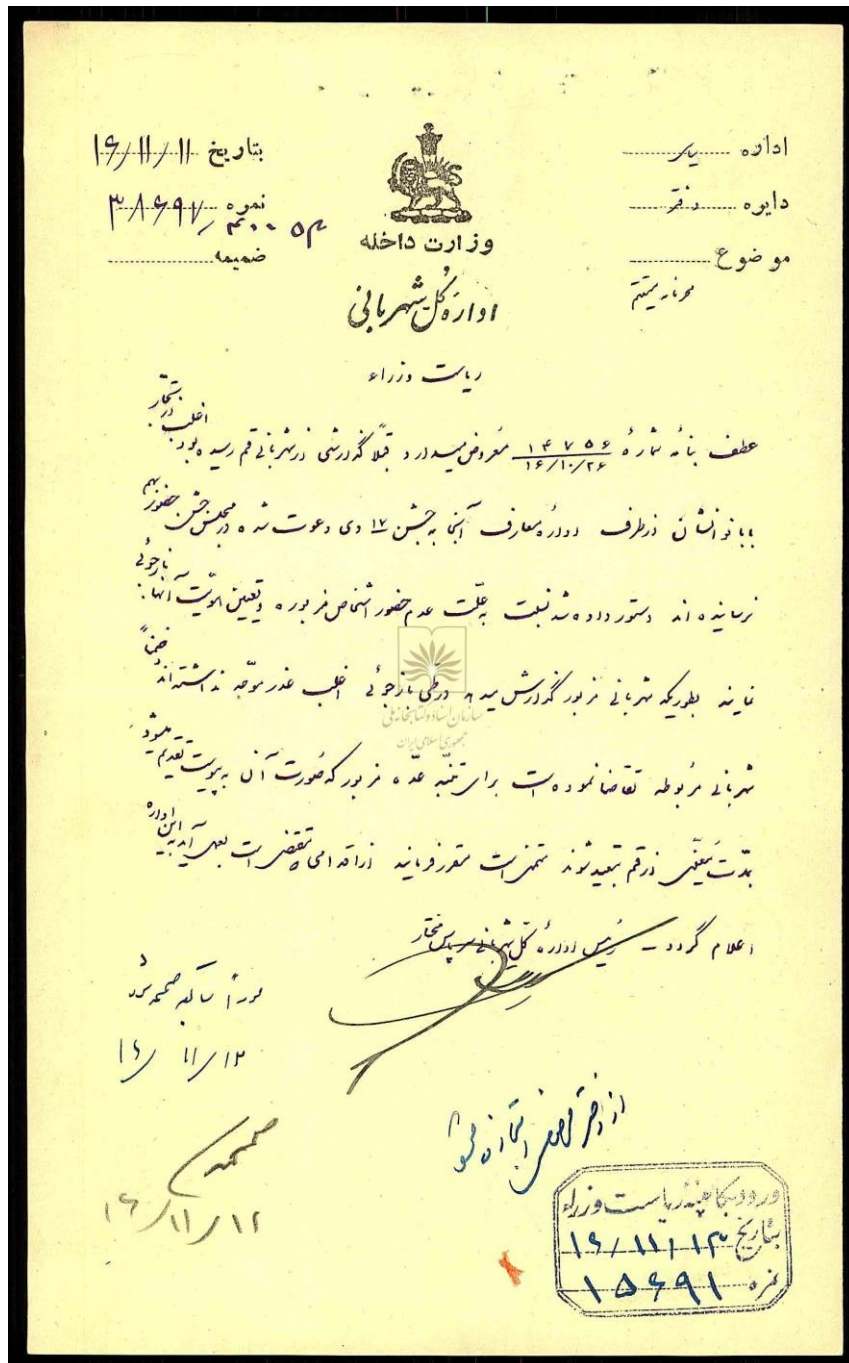
شهسواری، تقی، «کشف حجاب در لرستان به روایت اسناد» نشریه شقایق، س ۱، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۴، صص ۱۶۰-۱۳۸.

فقیهی، علی‌اصغر، گفت‌وگو با استاد علی‌اصغر فقیهی (مصاحبه‌گر محمدعلی عارفی)، نشریه فرهنگ کوثر، ش ۱۶، ۱۳۷۷، صص ۸۵-۷۹.

قائم‌نیک، محمدرضا؛ نجفی، طیبه، «عصر تصویر بی‌حجابی و بی‌حجابی اجباری»، زن در توسعه و سیاست، ش ۶۱، ۱۳۹۷، صص ۳۵۸-۳۳۹.

وکیلی، هادی، «نامی درخشان بر تارک دادگستری»، نشریه قضاوت، ش ۲۹، صص ۱۷-۱۷، ۱۳۸۳.





سند شماره ۱۸۴۷۸-۳۱۰ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

پیگیری علت عدم حضور برخی کسبه و زنانشان در جشن کشف حجاب



